

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

حرکت الهی:

تحلیل تمدنی راهپیمایی و زیارت اربعین

به اهتمام:
هادی غیاثی فتح آبادی



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: حرکت الهی: تحلیل تمدنی راهپیمایی و زیارت اربعین

به اهتمام: هادی غیائی فتح‌آبادی

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۴۰۰

قیمت: ۳۹۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۹۳۹-۸

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخرآبادی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲
تلفن: ۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱

فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

فروشگاه اینترنتی: [E-mail: pub@isu.ac.ir](mailto:pub@isu.ac.ir) • www.press.isu.ac.ir

سرشناسه: غیائی فتح‌آبادی، هادی، ۱۳۷۱-
عنوان و نام پدیدآور: حرکت الهی: تحلیل تمدنی راهپیمایی و زیارت اربعین / به اهتمام هادی غیائی فتح‌آبادی.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۸۹ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۹۳۹-۸

موضوع: حسین‌بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق. - اربعین -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
شناسه افروده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده بندی کنگره: BP ۴۱۷۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳۴

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۶۲۹۶۷

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

سخن ناشر	۱۱
مقدمه اندیشکده راهبردی اربعین / سیدمجید امامی	۱۳
مقدمه	۱۵
فصل اول: ابعاد تمدنی عاشورا و اربعین / محمدهادی همایون	۲۵
مقدمه	۲۵
۱. روش مطالعات تاریخی و تمدنی	۲۷
۲. تقابل حق و باطل: مفهوم محوری تحلیل تاریخ	۳۰
۳. عاشوراء: نقطه عطف و محور تحلیل تاریخ	۳۴
۳-۱. عاشورا در شعر حافظ	۳۹
۴. بعثت و غدیر	۴۲
۵. اربعین و حرکت به سوی ظهور	۴۹
نتیجه گیری	۵۳
فصل دوم: راه اربعین، راهی به آن سوی تمدن / حبیب‌الله بابایی	۵۵
مقدمه	۵۵
۱. تفاوت‌های نظام مناسبات انسانی اربعین با شاخص‌های انسانی نظام مناسبات مدرن	۵۶
۲. لزوم توجه به عرفی نشدن متن اربعین	۶۰
فصل سوم: تحلیل ظرفیت‌های تمدنی پدیده اربعین بر اساس تجلی فنای عرفانی در سطح حیات اجتماعی / ابراهیم خانی	۶۱
مقدمه	۶۱
۱. تبیین مقام فناء از منظر عرفان اسلامی	۶۲

۶ □ حرکت الهی: تحلیل تمدنی راه‌پیمایی و زیارت اربعین

۲. تحلیل کنش اجتماعی زائرین اربعین بر اساس مقام فناء عرفانی ۶۴
۳. ظهور مقام فناء عرفانی در قالب یک هویت جمعی در پدیده اربعین حسینی ۶۸
۴. تحلیل ظرفیت‌های تمدنی پدیده اربعین بر اساس مقام فناء عرفانی ۶۹
- ۴-۱. کاهش نیاز به ساختارهای اعتباری بر اساس ظهور اجتماعی مقام فناء عرفانی ۷۰
۵. امکان ارائه تبیینی نوین از هویت جمعی بر اساس مقام فناء عرفانی ۷۲
- نتیجه‌گیری ۷۴

فصل چهارم: همگرایی تمدنی در طریق زیارت؛ با تأکید بر آیین پیاده‌روی

- اربعین / سیدمجدد امامی و هادی غیائی ۷۷
- مقدمه ۷۷
۱. پیشینه پژوهش ۸۰
۲. روش پژوهش ۸۳
۳. چهارچوب مفهومی ۸۵
- ۳-۱. زیارت ۸۵
- ۳-۲. ارتباطات میان فرهنگی ۸۶
- ۳-۳. تمدن ۸۶
- ۳-۴. همگرایی ۸۸
- ۳-۴-۱. همگرایی سازمانی ۸۸
- ۳-۴-۲. همگرایی میان فرهنگی ۸۹
- ۳-۴-۳. همگرایی تمدنی ۹۰
۴. الزامات همگرایی تمدنی در طریق زیارت ۹۳
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۹۶

فصل پنجم: مؤلفه‌های کلیدی چشم‌اندازپردازی در جریان اربعین حسینی

- (علی‌علیه): رویکردی الهی-تمدنی / محمد مهدی ذوالفقاری و رضا مسعودی ۹۸
- مقدمه ۹۸
۱. پیشینه پژوهش ۱۰۰

فهرست مطالب □ ۷

۱-۱	آینده پژوهی اسلامی.....	۱۰۱
۱-۱-۱	نگاه اسلامی به آینده پژوهی رایج.....	۱۰۱
۱-۱-۲	چگونگی شکل گیری آینده پژوهی اسلامی.....	۱۰۳
۱-۱-۳	اهداف و مفروضات آینده پژوهی اسلامی.....	۱۰۴
۲-۱	چشم انداز.....	۱۰۶
۱-۲-۱	تعریف چشم انداز.....	۱۰۶
۲-۲-۱	روش شناسی چشم انداز پردازی.....	۱۰۷
۳-۲-۱	رویکرد اسلامی به چشم انداز.....	۱۱۰
۳-۱	جریان اربعین.....	۱۱۱
۱-۳-۱	رویکرد الهی-تمدنی به پدیده راهپیمایی اربعین.....	۱۱۲
۲-۳-۱	اربعین و آرمان شهر مهدوی.....	۱۱۲
۲	روش پژوهش.....	۱۱۳
۳	یافته های پژوهش.....	۱۱۵
۱-۳	آینده شناسی.....	۱۱۸
۱-۱-۳	پذیرش وجود آینده های حقانی در تعالیم اسلامی.....	۱۱۸
۲-۱-۳	تصویر آینده حقانی مهدوی در تعالیم اسلامی.....	۱۱۹
۳-۱-۳	لزوم شناخت آینده های حقانی بر اساس رهنمودهای اسلامی.....	۱۱۹
۲-۳	زمینه شناسی.....	۱۲۰
۱-۲-۳	لزوم توجه به ابعاد فرامادی عالم هستی.....	۱۲۰
۲-۲-۳	شناخت تحولات جهان از منظر فلسفه تاریخ اسلامی.....	۱۲۰
۳-۲-۳	شناخت قوانین تکوینی عالم هستی.....	۱۲۱
۴-۲-۳	شناخت محدوده عمل انسان در برنامه الهی.....	۱۲۱
۵-۲-۳	الزامات تحقق چشم انداز مهدوی.....	۱۲۲
۳-۳	زمانه شناسی.....	۱۲۲
۱-۳-۳	لزوم شناخت مقاطع برنامه الهی.....	۱۲۲
۲-۳-۳	لزوم شناخت زمانه در مسیر برنامه الهی.....	۱۲۳
۱۲۴	جمع بندی و نتیجه گیری.....	۱۲۴

فصل ششم: جایگاه و ظرفیت‌های تمدنی پدیده آیاتی اربعین / سیدمجید مطهری نژاد

۱۲۷
۱۲۷ مقدمه
۱۲۹ ۱. اربعین در نظام برنامه‌های الهی
۱۲۹ ۲. سامانه ابتلایی آخر الزمانی
۱۳۰ ۳. بستر تاریخی برنامه کلان الهی
۱۳۱ ۴. انقلاب اسلامی، نقطه عطف تام‌شدگی نورالله
۱۳۲ ۵. اربعین، پیوستار گذار از اسلام حبی به اسلام ولایی
۱۳۳ ۶. بایسته‌های برنامه‌ریزی فرهنگی برای اربعین

فصل هفتم: ابعاد تمدنی نهاد زیارت در فرهنگ شیعی / هادی غیائی

۱۳۷ مقدمه
۱۳۸ ۱. پیشینه پژوهش
۱۴۰ ۲. روش انجام پژوهش
۱۴۵ ۳. چهارچوب مفهومی
۱۴۵ ۳-۱. زیارت
۱۴۶ ۳-۲. تمدن
۱۴۸ ۴. یافته‌های پژوهش
۱۴۹ ۴-۱. بعد مردمی
۱۵۱ ۴-۲. هویت تمدنی
۱۵۲ ۴-۳. نظامات اجتماعی
۱۵۳ ۴-۳-۱. بعد فرهنگی - اجتماعی
۱۵۵ ۴-۳-۲. بعد اقتصادی
۱۵۶ ۴-۳-۳. بعد سیاسی
۱۵۷ ۴-۴. بعد تاریخی - جغرافیایی
۱۵۹ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری: اربعین؛ در تکاپوی علم و تمدنی دیگر / سیدمجید امامی

۱۶۳
-----	-------

منابع	۱۷۱
نمایه	۱۸۱

فهرست شکل‌ها، جدول‌ها و نمودارها

شکل ۴-۱. سطوح مختلف همگرایی	۹۳
شکل ۴-۲. شبکه مضامین همگرایی تمدنی در طریق زیارت	۹۶
شکل ۷-۲. مضمون‌های اصلی مربوط به «ابعاد تمدنی نهاد زیارت»	۱۴۸
شکل ۷-۳. ابعاد تمدنی نهاد زیارت	۱۶۰
جدول ۵-۱. اصول و مفروضات آینده پژوهی اسلامی در نگاه اندیشمندان	۱۰۵
جدول ۵-۲. فرایند تحلیل مضمون صورت گرفته در قلمروهای اصلی پژوهش ...	۱۱۵
جدول ۵-۳. مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه پژوهش	۱۱۶
جدول ۷-۱. برخی از گزاره‌ها و مضامین تحلیل شده	۱۴۱
نمودار ۵-۱. شبکه مضامین پژوهش: مؤلفه‌های کلیدی شناخت چشم‌انداز جریان اربعین	۱۳۱

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل/ آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد. از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه

اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه‌السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاء‌الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه اندیشکده راهبردی اربعین

زیارت از اصیل‌ترین و گسترده‌ترین رفتارها و مناسک دینی در جهان ادیان است که عمدتاً به نهادی اجتماعی و آیینی جمعی برای جامعه مؤمنان و بازتولید معانی و ارزش‌های مقدس سوق پیدا کرده است. زیارت پژوهی و مطالعات زیارت از حوزه‌های عمیق میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای است که نه تنها فرهنگ، بلکه اقتصاد، سیاست، حقوق، تاریخ و کلام را بهم می‌آمیزد و مسیری روشنا بسوی فهم آخرین تحولات دینداری در جهان پساکولار و آوردگاه آینده‌گرایی ادیان، می‌گشاید. اندیشکده راهبردی اربعین دانشگاه امام صادق علیه‌السلام با الهام از پیام و آرمان عظیم زیارت جهانی اربعین، به عنوان مجموعه‌ای دانشگاهی و تخصصی در طراز جهان اسلام می‌کوشد تا در این عرصه و البته دو عرصه مهم "آینده‌اندیشی مهدوی و تمدنی" و "مقاومت منطقه‌ای و امتی"، مرجعیت و الهام‌بخشی داشته باشد به همین منظور در پنج قالب آموزش، پژوهش و تولید ادبیات، نوآوری و فناوری، شبکه‌سازی اجتماعی و سیاستگذاری زیارت اربعین، آثار و فعالیت‌های متنوعی را از سال ۱۳۹۴ تاکنون به ثمر رسانده است. اثر پیش رو گردآوری و بازتولید بهترین خوانش‌های تمدنی از زیارت اربعین حسینی است که از محصولات گروه مطالعات قرآنی مهدویت و تمدن اندیشکده می‌باشد. آقای هادی غیائی با ممارست بالا با جلب و کنار هم قرار دادن چندین تحلیل تمدنی و آینده‌اندیشانه از اندیشمندان ایرانی دارای بینش و روش تمدنی توانسته است تابلویی جامع و گویا از تحلیل کلان و غایت‌گرایانه زیارت و پیاده‌روی جهانی اربعین را به تصویر کشد که پژوهشگران را در فهم عمیق‌تر ممیزات و

مشخصات زیارت تمدن‌ساز اربعین یاری می‌کند. سطوح مواجهه هر کنشگر با زیارت اربعین متفاوت است. یک سطح عینی و مهم، رویداد و سفر معنوی و راه‌پیمایی سه تا ۱۰ روزه‌ای است که باید در نظر به "فهم و رصد" و در عمل، به "شیرین‌تر، ایمن‌تر و گسترده‌تر شدنش" اندیشید. اما سطحی عمیق‌تر، یک فناوری فرهنگی اجتماعی بزرگ در جامعه شیعیان را می‌نمایاند که می‌تواند با الهام‌بخشی، به توسعه، تحول و حل مسائل کشوری چون عراق، منطقه‌ای چون غرب آسیا، جهان اسلام و جهان انسانی گره بخورد چرا که بر مشارکت، مواسات، محبت، مدارا، حرکت، عزت، وحدت و قیامی‌اشعار دارد که گمشده جهان مستضعفین است. اما در عمیق‌ترین سطح، اربعین آیه و جاده عظمایی است که تحقق عزم انبیاء و صالحان مبنی بر تأمیت نور الهی و مرکزیت امام در عالم را بما وعده می‌دهد. و نه یک وعده، بلکه یک وصال و فوز بزرگ را در نزدیکی ما عیان کرده است (انْهُم یرونه بعیدا و نراه قریبا). الهیات تمدنی اربعین این سطح را نشانه گرفته و مورد کاوش قرار می‌دهد. از آنجا که این سطح و برش در دیدگاه‌ها و راهبری‌های رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هم مورد توجه بوده، ایشان تعبیر "حرکت الهی" را نخستین بار برای زیارت و حماسه اربعین به کار بردند و عنوان این اثر هم از همین تعبیر الهام گرفته شد.

بر این اساس، شما را به مطالعه خوانش‌ها و مقالات حاضر دعوت و ضمن تقدیر و تحسین مجدد تلاش خالصانه نویسندگان فصول، شکر الهی بابت به سرانجام رسیدن این برنامه پژوهشی اندیشکده بجا آورده و معیت، زیارت و معرفت حسینی را برای همگان آرزومندیم.

سید مجید امامی

مدیر اندیشکده

مقدمه

تحلیل پدیده‌های اجتماعی با توجه به لایه‌لایه بودن آن‌ها در سطوح متفاوتی صورت می‌پذیرد. تمدن اشاره به بزرگترین واحد تحلیل اجتماعی دارد و تحلیل تمدنی فراگیرترین سطح تحلیل اجتماعی به حساب می‌آید. در واقع تحلیل تمدنی اشاره به نگاه کلان، نظام‌مند و منسجم به پدیده‌های اجتماعی دارد به طوری که به پویایی عناصر داخلی هر پدیده اجتماعی از طرفی و هماهنگی آن با دیگر پدیده‌های اجتماعی به طور توأمان توجه می‌کند. در این نگاه، پدیده اجتماعی تک‌ساحتی دیده نمی‌شود و از عقلانیت نهفته در پس آن تا عینیت و کارکردش مورد بررسی قرار می‌گیرد. غایت‌مند دیدن پدیده‌های اجتماعی در یک تحلیل تمدنی، خود را در تحلیل جهت حرکت بر اساس عقلانیت نهفته در آن‌ها نشان می‌دهد. تحلیل تمدنی هم تمدن را به مثابه بزرگترین واحد اجتماعی تحلیل می‌کند و هم تک‌تک پدیده‌های اجتماعی را با نگاه کلان خود مورد واکاوی قرار می‌دهد. نگاه ایستا و نگاه پویا، توأمان در تحلیل تمدنی وجود دارد به طوری که گستره دید، توجه به پیوستگی‌ها، روابط و نسبت‌ها از مهم‌ترین شاخص‌های تحلیل تمدنی به حساب می‌آید. تأکید بر هویت متمایز اجتماعات گوناگون در عین توجه به تنوع و تفاوت‌های درونی هر یک، از دیگر ویژگی‌های یک تحلیل تمدنی است.

مطالعات تمدنی در جهان غرب پس از جنگ جهانی دوم گسترش پیدا کرد. «از دهه ۱۹۶۰ علاقه جدید به تحلیل تمدنی، به ویژه با آثار علمی نوربرت الیاس

(۱۹۷۷)، بنجامین نلسون (۱۹۸۱) و آیزنشتات (۲۰۰۰)، بوجود آمد. این مباحث در زمینه تغییر ژئوپولیتیکی از تمدن‌های غربی به غیرغربی و بحث‌های مربوط به مدرنیته ترکیبی در یک زمینه برجسته در جامعه‌شناسی بین‌المللی و جهانی توسعه یافته است» (Willfried Spohn, 2011: 24). تحلیل تمدنی در جهان اسلام پس از اولین مواجهه تمدنی با تمدن غرب در زمان حمله ناپلئون به مصر شروع شد. «حمله ناپلئون به مصر در سال ۱۷۹۸ میلادی آغاز تحولات بنیادین در فکر و فرهنگ دنیای عرب به شمار می‌رود. که از آن جمله می‌توان به ظهور جنبش‌های مختلف اسلامی از یک سو و رویکردهای نوین فکری در میان متفکران عرب زبان از سوی دیگر اشاره کرد» (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۱). رویکردهای فکری جهان عرب در مواجهه با تمدن جدیدی که با آن روبه‌رو شده بودند به صورت متکثری خود را نشان دادند و هر یک مختصات متفاوتی به خود گرفتند.

همان‌طور که «جریان‌های فکری دنیای عرب در مواجهه با مدرنیته را می‌توان به دسه دسته تقسیم کرد: ۱. موضع سلبی (لا)؛ ۲. موضع ایجابی (نعم)؛ ۳. موضع میانی که مدرنیته را از برخی جهات نفی و از جهاتی دیگر می‌پذیرد (لا و نعم)» (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۹)، در تحلیل جریان‌های فکری ایران معاصر نیز، «در کنار دو جریان سنت‌گرا و تجددگرا، از جریان دیگری نام برده می‌شود که در نسبت‌سنجی میان دین و زندگی تمدن‌نگر و پیشرفت‌گرا بوده است» (بهمنی، ۱۳۹۲: ۲۳). در واقع این جریان نه در گذشته خود مانده است و نه در مواجهه با تمدن جدید غرب منفعل است بلکه با تمسک به پشتوانه مبانی فکری و تاریخ و فرهنگ خود تلاش می‌کند نظم اجتماعی جدیدی به وجود آورد. انقلاب اسلامی را می‌توان حاصل این رویکرد فکری در نسبت به مدرنیته دانست.

امام خمینی به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران «به دنبال احیای هویت اسلامی بود و بر همین اساس مقوله توسعه را نیز در گفتمان خود جای داده بود، توسعه‌ای که در چهارچوب هویت اسلامی تعریف می‌شد و در اروپامحوری مدرنیته تردید داشت» (ولایتی، ۱۳۹۰: ۴۰). تحلیل تمدنی برای ایران اسلامی معاصر از آن

جهت حائز اهمیت است که خط سیر انقلاب اسلامی رسیدن به تمدن نوین اسلامی است و لازمه تحقق چشم‌انداز انقلاب اسلامی، تبیین تئوریک ابعاد مختلف آن است. پاره‌ای بررسی‌ها نشان می‌دهد بزرگترین مسئله معطوف به انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی در حال حاضر ضعف بینش تمدنی است.

اما یک صورت‌بندی صحیح از تمدن و بینش تمدنی چه ویژگی‌هایی دارد؟ فهم صحیح از بینش تمدنی را باید در فهم صحیح از معنای تمدن جستجو کرد. تصویری که مطالعات تمدنی غربی از تمدن ارائه می‌کنند تنها تصویر ممکن از تمدن نیست. باید توجه داشت که مفاهیم تجربی در بسترهای تاریخی و اجتماعی شکل می‌گیرند. جهان غرب نیز بیشتر علوم خود را با تکیه بر مفاهیم تجربی پردازش کرده است، که مطالعات تمدنی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. لذا جهت ارائه تصویری بومی از تمدن و برای آزادی از قیود مفاهیم تجربی دنیای غرب، که بر اساس تاریخ تمدن غرب، خصوصاً تحولات اجتماعی و سیاسی چند قرن اخیر در قاره اروپا و آمریکا، صورت‌بندی شده‌اند، باید به تاریخ، فرهنگ و مبانی فکری بومی خود متمسک شویم.

ابتدا باید تمدن را به عنوان بزرگترین واحد اجتماعی و به مثابه یک پدیده اجتماعی مورد توجه قرار داد. پدیده‌های اجتماعی چندبعدی، متکثر، در ارتباط با هم، پویا، عینی، سیال، معنادار و مسبوق به مبانی فکری می‌باشند. پدیده‌های اجتماعی در بسترهای اجتماعی متفاوت، معانی مختلفی به خود می‌گیرند. بازشناسی معنایی مفاهیم اجتماعی، پیش‌شرط کاربست آن‌ها در بافت‌های مختلف می‌باشد. برای هر پدیده اجتماعی که عینیتی بین‌الذهانی یافته است علاوه بر واقعیت بین‌الذهانی، دو عرصه دیگر نیز می‌توان متصور بود که در مجموع، سه عرصه برای هر پدیده اجتماعی قابل تعریف است: اول عرصه اجتماعی که هویت بین‌الذهانی دارد. دوم عرصه ذهنی که در ذهنیت افراد است و نمایانگر آنچه به صورت معلومات و مبانی فکری در ذهن افراد ناظر به پدیده اجتماعی وجود دارد ولی بروز اجتماعی پیدا نکرده است و سوم عرصه واقعیت نفس‌الامر می‌باشد. هر پدیده در هر یک از این عرصه‌های سه‌گانه از احکام ویژه مربوط به خود برخوردار است. نفس‌الامر نیز به نوبه خود دارای مراتب و

اقسامی است که پرداختن به آن از محدوده بحث ما خارج است. اتفاقی که در تاریخ تمدن غرب در دوران اخیر افتاد این بود که ابتدا با خارج کردن حوزه معرفتی دین از گزاره‌های علمی، دست به انکار حقایق ملکوتی زدند؛ سپس با تردید در واقع‌نمایی مفاهیم و مبانی فکری و قطع ارتباط بین ذهن و واقعیت نفس‌الامر، گزاره‌های عقلی که پایه‌هایی برای مبانی فکری بشر در حوزه‌های مختلف محسوب می‌شدند و پیونددهنده پدیده‌های اجتماعی با عالم نفس‌الامر بودند را از چهارچوب گزاره‌های علمی خارج ساختند. اکنون تنها عرصه‌ای که برای اندیشمندان غربی باقی مانده است که به آن تمسک یابند واقعیت بین‌الذّهانی پدیده‌هاست. لذاست که در سال‌های اخیر در فضای فکری و نظری اندیشمندان غربی، علم به مثابه یک پدیده فرهنگی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و به سطح بین‌الذّهانی آن هم از نوع متکثر و نسبی‌اش تقلیل یافته است. اما همان‌طور که ذکر شد در سپهر معرفتی اسلام، پدیده‌های اجتماعی هم واقعیتی بین‌الذّهانی دارند، هم مسبوق به مبانی فکری در ذهن افراد هستند و هم هویتی حقیقی در عالم نفس‌الامر دارند. در کنار این سه حوزه یک نکته در مطالعه پدیده‌های اجتماعی باقی می‌ماند و آن توجه به مؤلفه زمان در پدیده‌های اجتماعی است. در واقع در تحلیل پدیده‌های اجتماعی نباید آن‌ها را ایستا و به عنوان پدیده‌هایی ثابت تحلیل نمود بلکه به سیر زمانی آن‌ها نیز باید توجه کرد.

بدین ترتیب با توجه به واقعیت بین‌الذّهانی پدیده‌های اجتماعی، تکثر و چند بعدی بودن آن‌ها توجیه می‌شود. توجه به واقعیت ذهنی پدیده‌های اجتماعی، مبانی عقلی و ریشه‌های متقن فکری آن‌ها را تأمین می‌سازد و آن‌ها را به واقعیت‌های ثابت نفس‌الامر پیوند می‌دهد و از نسبی شدن مطلق آن‌ها جلوگیری می‌کند. توجه به واقعیت نفس‌الامر پدیده‌های اجتماعی که خود را به صورت هویتی حقیقی نشان می‌دهد و نسبتی چون نسبت روح در بدن با پدیده‌های اجتماعی برقرار می‌سازد، وجه معناداری پدیده‌های اجتماعی را روشن می‌سازد. در نهایت با توجه به سیر زمانی پدیده‌های اجتماعی، زمینه بررسی سیالیت و متغیر بودن آن‌ها در بسط تاریخی و جغرافیایی فراهم می‌گردد. بر این اساس در تحلیل مفهوم تمدن به عنوان دالی که به

بزرگترین واحد اجتماعی ارجاع می‌دهد می‌توان شاخص‌هایی ذیل چهار عنوان ذکر نمود. اول ذیل عنوان واقعیت بین‌الذهانی تمدن شاخص‌هایی چون نظام‌های اجتماعی، عینیت اجتماعی، پویایی اجتماعی و هماهنگی عناصر اجتماعی تمدن را می‌توان عنوان نمود. دوم ذیل عنوان مبانی فکری تمدن می‌توان شاخص عقلانیت و مبانی فکری تمدن را مطرح ساخت. سوم ذیل عنوان واقعیت نفس‌الامر تمدن می‌توان شاخص هویت حقیقی و معنادار تمدن را برشمرد. چهارم و در نهایت ذیل عنوان سیر زمانی تمدن می‌توان شاخص بسط تاریخی و جغرافیایی تمدن را مطرح ساخت. بینش تمدنی اشاره به کاربست چنین نگاه کلان و فراگیری در تحلیل مسائل اجتماعی دارد که هم به عقلانیت در پس این مسائل توجه داشته باشد، هم نظامات اجتماعی مختلفی که پیرامون هر مسئله به صورت هماهنگ و پویا عینیتی تو در تو می‌یابد را مورد توجه قرار بدهد، هم بسط جغرافیایی و تاریخی مسائل را در نظر داشته باشد و هم از هویت معنایی که مسئله با خود خلق، اشاعه و ترویج می‌کند غافل نباشد.

در واقع تحقق یک تمدن مستلزم وجود عقلانیتی است که مبانی فکری برای نظام سازی اجتماعی در یک منطقه جغرافیایی را تأمین نماید تا با هماهنگی، پویایی، عینیت و بسط تاریخی آن نظام‌های اجتماعی و همچنین با خلق، اشاعه و تعمیق معانی در بعد مردمی، هویت تمدن به معنای کامل خود فرصت بروز و ظهور پیدا کند. هویت معنایی تمدن جز با وجود یک قدرت ذی‌نفوذ که توانایی اشاعه و مشروعیت بخشی به معانی اسلام تمدنی در نظام مناسبات انسانی در جامعه اسلامی را دارا باشد امکان‌پذیر نیست و این سیر تحقق تمدن به همان مراحل تحقق تمدن نوین اسلامی که رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آن‌ها را ترسیم کرده‌اند اشاره دارد: «یک زنجیره منطقی وجود دارد؛ پیش‌ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره مستمری است که به هم مرتبط است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴). یکی از مسائل مهم جهان اسلام در سال‌های اخیر که توجهات را از

۲۰ □ حرکت الهی: تحلیل تمدنی راه‌پیمایی و زیارت اربعین

جامعه اسلامی به سوی امت اسلامی سوق داده است، زیارت اربعین است که فهم صحیح آن، ضرورت استفاده از تحلیل تمدنی را آشکار می‌سازد. چنین تحلیلی از مسائل در عین آنکه می‌تواند صبغه جامعه‌شناختی، فلسفی، عرفانی، الهیاتی، آینده‌پژوهانه و ... داشته باشد، می‌تواند در تمام این رویکردها ویژگی‌های یک تحلیل تمدنی را نیز حفظ کند.

زیارت یکی از آیین‌های دینی با کارکردهای مختلف اجتماعی چون هویت بخشی، نمادسازی، تعاون و تعامل فرهنگی و اجتماعی و ... است (زمانی، ۱۳۹۱: ۴۹). زیارت اربعین حسینی در سال‌های اخیر از یک منسک شیعی فراتر رفته است و هر ساله انسان‌های مختلف از فرهنگ‌های متفاوت با دین، زبان، رنگ و نژادهای گوناگون را با جاذبه‌ای مغناطیسی به سمت خود می‌کشاند.

در مجموعه حاضر سعی شده است چند نوشتار از مهم‌ترین رویکردهایی که می‌توان در تحلیل تمدنی زیارت اربعین مورد استفاده قرار گیرد گردآوری شود. دکتر محمدهادی همایون در اولین فصل این مجموعه یعنی «ابعاد تمدنی عاشورا و اربعین» با نگاهی الهیاتی اربعین را در تاریخی گسترده‌تر از حوادث مربوط به سال ۶۱ هجری مورد بررسی قرار می‌دهد؛ یعنی تاریخی بر اساس تقابل دو جریان حق و باطل، که آغاز آن آفرینش و هبوط آدم علیه‌السلام و انجام آن در واقعه بزرگ ظهور و مراحل پس از آن تحقق خواهد یافت. در این تحلیل، عاشورا به عنوان یک برنامه الهی و مقدر، در قلب تاریخ و به عنوان مهم‌ترین نقطه عطف آن و اربعین به عنوان پیوستار معرفتی عاشورا تلقی می‌شود. پیوستاری که می‌توان شاخص‌ها و نشانه‌های مشترکی را میان آن و خود واقعه عاشورا از یک طرف و جریان شریف ظهور از سوی دیگر و همچنین سازوکار حاکم بر آفرینش و موضوع قیامت تشخیص داد.

فصل بعدی این مجموعه تحت عنوان «راه اربعین، راهی به آن سوی تمدن» سعی در بیان ضرورت توجه به عدم کفایت مطالعات تمدنی غربی در تحلیل تمدنی اربعین دارد. دکتر حبیب‌الله بابایی با طرح این سؤال که اگر تنها گوشه‌ای از یک امر مناسکی و معنوی مانند اربعین قابلیت گنجایش در قالب‌های مطالعات تمدنی موجود را نداشته

نباشد، آنگاه تمام دین و عرصه‌های اعجازبرانگیز آن را چگونه می‌توان با ادبیات و متدولوژی تمدنی فهمیده و آن را عینیت بخشید؟ بر این نکته تصریح می‌کند که در این باره توجه به شاخص‌های امروزی تمدن و تطبیق آن با شاخص‌های اجتماعی و احیاناً تمدنی در اربعین می‌تواند اندکی از این فاصله‌ها را معلوم سازد. شاخص‌های متریکی انسانی در نظام مناسبات انسانی اربعین (آنهم در جامعه به ظاهر عقب‌مانده عراق امروز) با شاخص‌های انسانی نظام مناسبات مدرن در جوامع پیشرفته فرق‌هایی دارد که در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل سوم این مجموعه تحت عنوان «تجلی فنای عرفانی در سطح حیات اجتماعی: جوهره اصلی پدیده اربعین» به تحلیل تمدنی پدیده اربعین با رویکرد عرفانی می‌پردازد. دکتر ابراهیم خانی در این نوشتار مسئله اصلی خود را فهم جوهره اصلی و فصل‌نهایی پدیده اربعین قرار می‌دهد و تلاش می‌کند ابتدا ابعاد نظری مقام فناء عرفانی را تشریح کرده سپس بر پایه خصوصیات مقام فناء عرفانی نشان دهد که پدیده اربعین دارای شاخصه‌های ظهور این مقام عرفانی در سطح اجتماعی است. در پایان نیز از این منظر ظرفیت تمدنی این پدیده را مورد بررسی قرار می‌دهد.

امامی و غیاثی در فصل چهارم این مجموعه، «همگرایی تمدنی در طریق زیارت؛ با تأکید بر پیاده‌روی زیارت اربعین» را با توجه به لزوم عناصر نرم با قدرت اشاعه جهانی برای برپایی تمدن نوین اسلامی در دوران معاصر و با نظر به عناصر نرم و تمدن ساز نهاد زیارت خصوصاً آیین پیاده‌روی اربعین، به عنوان یکی از ساز و کارهای تحقق تمدن نوین اسلامی معرفی می‌کنند و به بررسی مهمترین الزامات این همگرایی در سطح تمدنی آن می‌پردازند. این نوشتار همگرایی را نوعی همسویی و هم‌نوایی در گرایش‌ها، بینش‌ها و رفتار، در اجتماعی از مردم تلقی می‌کند. براساس نتایج این پژوهش مسئله همگرایی در طریق زیارت را می‌توان در سه سطح سازمانی، میان‌فرهنگی و تمدنی تحلیل کرد. آموزش اخوت و ولایت بین مسلمین، توجه به اسلامی و جهانی بودن منسک زیارت به عنوان یک الگوی همگراکننده دینی و انسانی و نه یک عنصر واگراکننده فرقه‌ای، افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه فناوری ارتباطات و

اطلاعات و تأکید بر تعارف، تعامل، تعاون، همدلی، درک و گفتگو بین زائر و میزبان در جریان زیارت از مهم‌ترین الزامات در سطح تمدنی همگرایی در طریق زیارت محسوب می‌گردد.

دکتر محمد مهدی ذوالفقارزاده و رضا مسعودی در فصل «مؤلفه‌های کلیدی چشم‌اندازپردازی در جریان اربعین حسینی (علیه‌السلام): رویکردی الهی - تمدنی» جریان عظیم راه‌پیمایی اربعین حسینی (علیه‌السلام) را با رویکرد الهی - تمدنی مورد بررسی قرار می‌دهند. در این رویکرد تصریح می‌شود که به منظور ترسیم چشم‌انداز جریان الهی اربعین، اتکاء به روش‌های رایج چشم‌اندازپردازی (برگرفته از دانش آینده‌پژوهی مدرن) به دلیل تفاوت در ماهیت و ذات این پدیده، از کفایت لازم برخوردار نیست. از این رو نویسندگان این مقاله تعدادی از آثار مرتبط با موضوع تحقیق در قالب سه دسته کلی «آینده‌پژوهی اسلامی»، «چشم‌انداز» و «جریان اربعین» مورد مطالعه قرار داده و مؤلفه‌های کلیدی چشم‌انداز جریان اربعین از طریق روش تحلیل مضمون استخراج کرده‌اند و در نهایت نتیجه گرفته‌اند که برای ترسیم چشم‌انداز پدیده الهی اربعین، باید مفاهیم و تعاریف روش‌های رایج چشم‌اندازپردازی را به کمک سه مؤلفه اساسی «آینده‌شناسی»، «زمینه‌شناسی» و «زمانه‌شناسی» تکمیل و تصحیح نمود.

ششمین فصل این مجموعه با عنوان «جایگاه و ظرفیت‌های تمدنی پدیده آیاتی اربعین» اربعین را در خوانش الهیاتی فراگردهای تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهد. دکتر سیدمجید مطهری‌نژاد در این مقاله بیان می‌کند که اگرچه از دل فضای تاریخی و روایی اربعین می‌توان برای آینده جبهه حق برداشت مهمی را متصور بود و اگرچه از منظر مدرنیته، اربعین به عنوان یک رویداد گردشگری و فستیوال کم‌نظیر دینی قابل مطالعه است اما پدیده نوظهور اربعین، شأنیتی بسیار فراتر از تمام این قابلیت‌ها دارد و مطالعه صحیح آن، صرفاً در یک دستگاه الهیاتی مقدور است. ایشان مطالعه اربعین در بستر نظام برنامه‌های الهی را به عنوان رویکرد صحیح در تحلیل جامع پدیده اربعین پیشنهاد می‌کند و سعی می‌کند نشان دهد که در این رویکرد، فراتر از انگاره‌های فلسفه تاریخی جریان حق و باطل در عالم، با نظام برنامه‌های الهی مواجه هستیم.

برنامه‌های زنده و پیوسته‌ای که برآمده از اراده الهی برای احقاق حق در عالم است. فصل هفتم این مجموعه تحت عنوان «ابعاد تمدنی نهاد زیارت در فرهنگ شیعی» با روش تحلیل مضمون در صدد ارائه ساختاری جامع از تحلیل تمدنی یک پدیده اجتماعی است. هادی غیائی در این مقاله چهار مقوله کلی «بعد مردمی»، «نظامات اجتماعی»، «هویت تمدنی» و «بعد تاریخی - جغرافیایی» را به عنوان ابعاد تمدنی نهاد زیارت مطرح می‌کند. قدرت نرم، تعارف میان فرهنگی و پویایی اجتماعی مؤلفه‌های مهم بعد مردمی، آثار مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مؤلفه‌های کلیدی بعد نظامات اجتماعی، قدرت تولید، احاطه و تعمیق معنا، حس تعلق به امت اسلامی و غایات تمدنی مشترک از مهم‌ترین مؤلفه‌های بعد هویت تمدنی و بسط تاریخی آیین زیارت در گستره پهناور جغرافیای فرهنگی جهان اسلام مهم‌ترین مؤلفه تاریخی - جغرافیایی نهاد زیارت معرفی می‌شوند.

دکتر سیدمجید امامی در آخرین قسمت کتاب با عنوان «در تکاپوی علم و تمدنی دیگر» با هشت برش مفهومی به تحلیل و جمع‌بندی ابعاد تمدنی زیارت اربعین می‌پردازد. در این تحلیل اربعین هم به مثابه سفری که نه تنها فرد، بلکه جامعه مؤمنان را از جهالت و ضلالت نجات و انسان دینی را مُشرف به رضوان، قرب و لقاء الهی می‌سازد دیده می‌شود و هم به مثابه پدیده‌ای قابل پژوهش که تقاطع ظریفی از کلام، تفسیر، درایه، جامعه‌شناسی، سیاست‌گذاری، نشانه‌شناسی، جغرافیای سیاسی و فرهنگی، ارتباطات انسانی، اقتصاد، امنیت، رسانه، جهانگردی و ... است. ارتباط اربعین با عدالت و معنا به عنوان عصاره تحقق تمدن الهی در دنیا، تحلیل اربعین به مثابه امری بین فرهنگی و بشدت مرتبط با همزیستی و تعایش صاحبان زبان‌ها و فرهنگ‌ها و سنت‌های متفاوت، نگاه به حرکت اربعین به عنوان حرکتی جهانی، پیش رو و تمدن‌ساز، ارتباط ابعاد معرفت - روش‌شناختی علوم اسلامی با اربعین، توجه به نسبت شاخص‌های فرهنگی جامعه اسلامی، شرایط امنیتی، سیاسی و حتی اقتصادی ایران و عراق با آیین پیاده‌روی زیارت اربعین از دیگر ابعاد تحلیل تمدنی زیارت اربعین در این نوشتار است. در آخر توجه به این نکته لازم است که اربعین را می‌توان در دو لایه حقیقی و

اعتباری آن مورد مطالعه قرار داد که البته این به معنای رابطه تباین بین این دو لایه از تحلیل نیست. در لایه اعتباری زیارت اربعین اما با توجه به نظامات اجتماعی مختلف زندگی بشر، زیارت اربعین از منظر علوم مختلف اجتماعی چون مردم‌شناسی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، ارتباطات و... تحلیل می‌گردد. اما در بعد حقیقی به روح، حقیقت و بعد معنوی زیارت اربعین توجه می‌شود و این پیاده‌روی آیینی به مثابه یک «حرکت الهی» مورد بررسی قرار می‌گیرد. رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرمایند: «معمولاً در این جور پدیده‌هایی که انسان مشاهده می‌کند که تبلیغاتی برای آن انجام نگرفته لکن ناگهان یک پدیده‌ای در محیط دید انسان بروز می‌کند، دست‌خدايي مشهودتر از همه‌جای دیگر است... این‌ها پدیده‌هایی است که هیچ تبلیغاتی هم برایش نمی‌شود، تلاشی هم انجام نمی‌گیرد. شما ببینید برای اینکه ده هزار نفر، پنجاه هزار نفر را یک جا جمع کنند، چقدر تلاش تبلیغاتی در دنیا انجام می‌گیرد، آخرش هم نمی‌شود. اینجا با وجود موانع فراوان، از ایران فقط دو میلیون نفر برای پیاده‌روی هشتاد کیلومتری -برای پیاده‌روی، نه برای لذت بردن و در هتل لمیدن- بلند می‌شوند می‌روند کربلا؛ چند برابر آن [هم] از خود عراق و از مناطق دیگر؛ این یک حادثه الهی است، این یک پدیده الهی است؛» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳). تحلیل بعد حقیقی زیارت اربعین در دو سطح فردی و اجتماعی امکان‌پذیر است. در سطح فردی به رابطه فرد با امام و سلوک فردی زائر در زیارت پرداخته می‌شود و در سطح اجتماعی از حرکت انبیا در طول تاریخ و برنامه کلان الهی برای زندگی بشریت که همان تجلی انسان کامل در زمین می‌باشد سخن به میان می‌آید و بر رابطه امت با امام و تلاش بر اطاعت هر چه بیشتر جهت اتصال هر چه بهتر امت به امام تأکید می‌شود. تحلیل تمدنی زیارت اربعین هر دو لایه حقیقی و اعتباری این پدیده را مورد بررسی قرار می‌دهد و سعی می‌کند مبانی، آثار، زمینه‌ها و پیامدهای این «حرکت الهی» را در بعد اجتماعی تحلیل کند.

هادی غیائی

بهار ۱۴۰۰

فصل اول

ابعاد تمدنی عاشورا و اربعین

محمدهادی همایون^۱

مقدمه

به نظر می‌رسد در تبیین و تحلیل واقعه عاشورا، برخاسته از تحلیل در چهارچوب زمانی و مکانی وقوع حادثه و انحصار در شرایط وقوع آن، احیاناً با مشکلات و خطاهایی از سوی پژوهشگران مواجه هستیم. رویکرد تمدنی به این موضوع مهم می‌تواند مشکل تحلیل را تا حد زیادی حل نماید. در رویکرد تمدنی گستره زمانی و مکانی فراختر شده و از این طریق وارد عمق تحلیل می‌شود.

در این چهارچوب تحلیلی، واقعه تنها اینچنین بیان نمی‌شود که پس از مرگ معاویه و به حکومت رسیدن یزید و فشار وی برای گرفتن بیعت از سیدالشهداء، حوادث کربلا رقم خورد. اگرچه این مقطع و حوادث آن نیز بخشی از موادخام تحلیل است، اما بخش بزرگتر آن به تاریخی گسترده‌تر بازمی‌گردد؛ تاریخی بر اساس تقابل دو جریان حق و باطل، که آغاز آن آفرینش و هبوط آدم علیه‌السلام و انجام آن در واقعه بزرگ ظهور و مراحل پس از آن تحقق خواهد یافت. در این تحلیل، عاشورا به عنوان یک برنامه الهی و مقدر، در قلب تاریخ و به عنوان مهمترین نقطه عطف آن تلقی می‌شود. هرآنچه در تاریخ زندگی بشر پیش از عاشورا اتفاق افتاده، مقدمه شکل‌گیری

۱. استاد گروه فرهنگ و تمدن دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

این برنامه الهی، و هر آنچه پس از آن به وقوع پیوسته و خواهد پیوست، از جمله جریان ظهور، نتیجه این واقعه برنامه‌ریزی شده بزرگ است.

در این راستا، یکی از مهمترین مأموریت‌ها و برنامه‌های انبیاء عظام، زمینه‌سازی مدیریت این واقعه و برنامه عظیم بوده که از طریق در معرض قرار گرفتن هر یک نسبت به این جریان به نحوی رخ داده است. از گریه آدم بر سیدالشهدا پس از اخبار جبرئیل نسبت به ماجرا، تا درخواست زکریای نبی (علیه السلام) برای فرزندی که مانند سیدالشهدا به شهادت برسد، همه اخبار در این چهارچوب قابل تبیین و تحلیل است. در این نوع از رفتار انبیاء، سه مسئله مهم حاصل می‌شده است: آشنایی با واقعه و برنامه، بهره‌مندی و همدلی با ماجرا، و سرانجام مشارکت و زمینه‌سازی.

همچنین در این چهارچوب تحلیلی چند واقعه دیگر به عنوان ایام‌الله در کنار عاشورا قرار می‌گیرد: بعثت، که سرآغاز این راه و اعلام ورود بشریت به دوره آخرالزمان است، غدیر، به عنوان اعلام مسیر ولایت، و سرانجام ظهور به عنوان نقطه‌نهایی و البته از زاویه‌ای دیگر نقطه آغاز حرکت بشریت به سمت تجلی ولایت. عاشورا در میانه این راه، به عنوان چراغ هدایت و کشتی نجات، نمونه‌ای البته محدود ولی عالی و کامل از تحقق مجموعه‌ای ولایی ذیل امام معصوم است که در آخرالزمان تحقق تام آن را شاهد خواهیم بود. حرکت تاریخ در پس از عاشورا بر اساس این نقطه شاخص صورت گرفته و کاروان بشریت را تا ظهور همراهی می‌کند.

اما آنچه در این میان مهم می‌نماید و موضوع اصلی این مقاله قرار گرفته است، ضمیمه‌ای است معرفتی بر واقعه عاشورا به نام اربعین که با یک فاصله چهل روزه از اصل خود واقعه - که نشانه کمال یک امر و فاصله‌ای لازم برای درک درست یک پدیده است - در طول زمان نیروی محرکه اثرگذاری عاشورا را در تاریخ پس از خود شکل داده است. اربعین با این توان و ظرفیت فوق‌العاده به عنوان یکی از نشانه‌های مؤمن قلمداد شده و در شرایط آخرالزمانی امروز تصویری عالی از این توان خود را در زمینه‌سازی ظهور به نمایش گذاشته است.

در نگاهی اجمالی به راه‌پیمایی امروز اربعین به عنوان یک ابرویداد، می‌توان

شاخص‌ها و نشانه‌های مشترکی را میان این پدیده و خود واقعه عاشورا از یک طرف و جریان شریف ظهور از سوی دیگر و همچنین سازوکار حاکم بر آفرینش و موضوع قیامت تشخیص داد. حرکت جمعی و کاروانی، حضور ادیان و مذاهب گوناگون، حرکت به سمت وحدت، و نهایتاً نقش محوری امام در این حرکت، از جمله این موارد است. در این مقاله تلاش می‌شود تا با رویکردی تمدنی به موضوعی پرداخته شود که به نظر می‌رسد به عنوان محور تاریخ تمدن بشر در رویکردی مبتنی بر گزارش وحی و در لسان اهل بیت (علیهم‌السلام) سرچشمه اصلی و منبع شکل‌گیری وقایع مهم تاریخی پیش و پس از خود است. این پدیده مهم و فراتاریخی، واقعه بزرگ عاشوراء، و البته به همراه آن، پدیده تکامل ساز اربعین، به عنوان ضمیمه معرفتی و عامل استمرار آن در طول تاریخ است که بویژه امروزه برای ما اهمیت آن بیش از پیش آشکار شده است.

۱. روش مطالعات تاریخی و تمدنی

بحث را از یک موضوع روشی آغاز می‌کنیم. در تحلیل وقایع تاریخی معمولاً یک نکته به جد گوشزد می‌شود که اتفاقات را باید در ظرف زمانی خود و در چهارچوب فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن دوره و مقطع تاریخی مورد مذاقه قرار داد و به شدت از وارد ساختن عوامل مربوط به دوره زمانی و شرایط مکانی تحلیلگر در تحلیل واقعه پرهیز کرد. این موضوع در جای خود توجه بسیار درست و کارگشایی در حوزه مطالعات تاریخی و بررسی وقایع گذشته و سیر آن از مسند و منظر حال است.

اما آن گاه که پای آینده به عنوان ضلع سوم این بررسی به میان می‌آید، موضوع شکل دیگری به خود می‌گیرد. با تجمع سه بعد زمانی گذشته، حال و آینده در یک واقعه، موضوع وقایع و تحلیل‌های فرازمانی پیش می‌آید. در این صورت آیا می‌توان حوادث گذشته یا حال را که در افقی فرازمانی شکل می‌گیرند، در چهارچوب زمانی خودشان مورد تحلیل قرار داد؟ آیا این وقایع فرازمانی اساساً توان گنجیدن در ظرف زمانی خود را دارند؟ و در غیر این صورت رابطه آنان با ظرف زمانی و مکانی وقوعشان چیست؟ این موضوع هنگامی جدی تر و درخور تأمل بیشتر می‌شود که واقعه‌ای خاص را نه از سر اتفاق که حاصل یک تدبیر و برنامه و اصطلاحاً در چهارچوب یک

سیاست‌گذاری کلان ببینیم. اینجا است که موضوع تمدن و تمدن‌سازی در طول تاریخ و لزوم برخورداری از یک رویکرد تمدنی اهمیت می‌یابد.

تمدن با گستره‌ای جغرافیایی و تاریخی، کلان‌ترین واحد اجتماعی است که تا کنون در زندگی بشر مطرح بوده است. تحلیل تمدن‌هایی شک در چهارچوب تنگ زمانی یکی دو واقعه - اگرچه مهم و تاریخ‌ساز - ممکن و عقلانی نیست. آنگاه که از تمدن سخن می‌گوییم، از یک سو پا را از یک حوزه خاص سیاسی، نظامی یا فرهنگی و اجتماعی و جز آن فراتر گذاشته، به کلیت ترکیب - و البته بدون غفلت از جزئیات - می‌نگریم، و از سویی دیگر اگرچه در زمان، ولی پدیده را در سیر زمانی خویش تعقیب می‌کنیم.

شاید این نکته اختلاف روشی اساسی مطالعات تمدنی و مطالعات تاریخی باشد، که به نظر می‌رسد تا کنون دومی وجه غالب نوع اول بوده باشد. بدین معنی که مطالعات تاریخی سایه خود را بر سر مطالعات تمدنی به نحوی گسترانده که اگرچه در موارد بسیاری آن را وامدار خود نموده، اما در موارد مهمی نیز مانع بزرگی بر سر راه رشد متناسب آن بوده است. بر این اساس می‌پذیریم که مطالعات تمدنی، اگرچه در شکل تاریخی خود، با مطالعات تاریخی از حیث روشی می‌تواند تفاوت داشته باشد. این تفاوت روشی در مواردی، حتی در بررسی‌های تاریخی، می‌تواند ما را به عمق تحلیل وارد نموده و تصویر روشنتری از خود واقعه در همان زمان را نیز پیش روی ما قرار دهد.

یکی از وقایعی که در تاریخ به عنوان یک حادثه مهم همواره مورد توجه و پژوهش بوده است، واقعه عاشورا است که بی‌شک علیرغم وقوع آن در تاریخ گذشته، نمی‌توان منکر خروج آن از ظرف زمانی و مکانی خویش و گسترش آن به همه تاریخ شد. این گسترش اگرچه به نظر می‌رسد از حیث تأثیر مورد پذیرش پژوهشگران این عرصه باشد، اما کمتر به حوزه روش و بررسی واقعه از این جهت سرایت کرده است.

در تبیین این پدیده مهم تاریخی، معمولاً با نگاهی تاریخ‌مدار این‌گونه می‌گوییم که در دوران حکومت معاویه بدلیل ویژگی‌های خاص رفتاری وی، نحوه تعامل امام مجتبی و سیدالشهدا (علیه‌السلام) با او یکسان بود، اما با هلاکت وی و به قدرت رسیدن

فرزندش یزید در زمان امامت سیدالشهدا (علیه السلام) و درخواست و اجبار وی برای بیعت، امتناع ایشان از بیعت با یزید و مثل یزید که اساس دین را آشکارا مورد هجمه قرار داده بود، و حرکت به سمت مکه مکرمه و سپس با دریافت نامه‌های دعوت کوفیان به سمت این شهر، ماجرای - احتمالاً ناخواسته - کربلا و عاشورا شکل گرفت.

بر اساس این نوع از بیان، که البته جزئیات شکل دهنده آن در ظرف زمانی خود به هیچ وجه کذب و قابل انکار نیست، اهدافی برای واقعه قابل تشخیص و تبیین است، که البته مورد اشاره محققان نیز بوده است. از تلاش برای حفظ جان از سوی حضرت که در حرکت به سمت حریم امن کعبه و سپس تقاضا برای بازگذاشتن راه ایشان برای رفتن به یمن و سرزمین‌های دیگر خود را نشان می‌دهد، تا قیام علیه حکومت یزید و تشکیل حکومت با کمک مردم کوفه که آشکارا در انتخاب کوفه به عنوان مقصد دوم خود را نشان می‌دهد، و البته در محتوای نامه‌های کوفیان نیز به روشنی هویدا است، و تا قیام برای امر به معروف و نهی از منکر که در بیان خود وجود مقدس سیدالشهدا (علیه السلام) بدان تصریح شده است، همه و همه از مواردی است که به عنوان هدف و غرض اصلی از این ماجرا از سوی پژوهشگران بیان شده است.

همان‌گونه که مشهود است، در جمع میان همه این جزئیات تاریخی و تحلیل‌های مبتنی بر آن با یک تناقض‌نما مواجه هستیم، که غالباً سبب شده است تا تاریخ‌پژوهان بر بخشی از مجموعه اسناد تاریخی تمرکز بیشتری پیدا کرده و برخی را در عین صحت در حاشیه تحلیل قرار دهند. اگرچه در خصوص برخی از این موارد به ظاهر متناقض تبیین‌هایی برای توجیه صورت گرفته، اما به هر حال، حرکت برای دورماندن از تعرض حکومت ظلم و تلاش برای حفظ نفس، در ظاهر هیچ مناسبتی با قیام و تلاش برای ساقط کردن حکومت و استقرار حکومت الهی ندارد، و این دومی به هیچ وجه به همراه بردن خانواده و خیل بانوان حرم را توجیه نمی‌کند. امر به معروف و نهی از منکر نیز علیرغم صراحتش، از لحاظ فقهی با احتمال خطر و همچنین ب‌أس از تأثیر ساقط می‌شود. در عین حال می‌بینیم که همه این موارد جزئی مستند و غیرقابل انکار است. ظاهراً باید اشکال را از ناحیه ضیق و تنگی چهارچوب تحلیل دانست که همان

گرفتار آمدن در تنگنای زمان و مکان و تلاش برای تحلیل وقایع در آن است. در اصلاح این نقص روشی و در تلاش برای رسیدن به یک چهارچوب اطمینان‌بخش برای تحلیل، به نظر می‌رسد بایستی پارا از حوادث سال ۶۰ و ۶۱ هجری از لحاظ زمانی، و جغرافیای حجاز تا کوفه از لحاظ مکانی، فراتر گذاشت و وارد گستره‌ای تاریخی و فراخ شد، فراخنایی به وسعت تاریخ بشر از هبوط تا ظهور، و سپس فراتر از آن و فراتر از تاریخ و زمان، از آخرالزمان تا قیامت. در تبیین این چهارچوب دو نکته را حتماً باید مدنظر قرار دهیم: مفهوم محوری و سنت اصلی حاکم بر تاریخ بشر، و نقاط عطف مهم این تاریخ.

۲. تقابل حق و باطل: مفهوم محوری تحلیل تاریخ

در خصوص سنت اصلی حاکم بر تاریخ بشر، در بررسی متون و ادبیات تاریخ تمدن به این نکته برمی‌خوریم که هر کدام ایده‌ای را به عنوان مفهوم محوری تحلیل تاریخ برگزیده و تلاش کرده‌اند تا تاریخ تمدن‌ها را بر گرد آن تحلیل نمایند. در اینجا ایده تقابل حق و باطل به عنوان مفهوم محوری در نگرشی متفاوت به تاریخ تمدن قابل توضیح است. در این چهارچوب مصداق اصلی جریان حق، فرایند ارسال رسل و بعثت پیامبران الهی به عنوان یک فرایند به هم پیوسته در طول تاریخ، و جریان مقابل خط انبیاء طاغوت‌ها و شیطان و حزب او و همچنین اولیاء و جنود وی در نظر گرفته می‌شود.

نکته‌ای که در اینجا شایسته توجه ویژه می‌نماید، موضوع اصالت جریان حق و خط انبیاء، و فرعی و تبعی بودن جریان باطل و خط شیطان نسبت به آن و طبیعتاً پیروزی نهایی جریان حق است که در باورهای اسلامی و آیات و روایات به روشنی به چشم می‌خورد. قرآن کریم نسبت حق و باطل را در قالب مثالی بسیار زیبا چنین معرفی می‌نماید:

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حَلِيَّةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْحَقَّ وَ الْبَاطِلَ فَاَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَّ اَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْاَرْضِ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ (سوره رعد، آیه ۱۷).^۱

۱. خدا از آسمان آبی نازل کرد که در هر رودی به قدر وسعت و ظرفیتش سیل آب جاری شد و بر روی

در این آیات خداوند حکیم می‌فرماید اگرچه مردم در ابتدا کف روی آب را می‌بینند، اما باید بدانند که این کف نیز به واسطه سیل و آب آمده است و از خود استقلالی ندارد و از همین رو است که سرانجام نیز از بین می‌رود و آنچه باقی می‌ماند آبی است که سود مردم در آن نهفته است. برخورد حق و باطل در قرآن کریم چنین تصویر شده است.

شهید مطهری (رحمه‌الله) نیز در این خصوص می‌فرماید:

"قرآن ... جریان هستی را بر اساس حق می‌داند و حق را اصیل معرفی می‌کند و در مقابل هر چند باطل را نفی نمی‌کند اما آن را اصیل نمی‌داند. از این رو قرآن به تاریخ خوشبین است و برای انسان اصالت قائل است... پس در این بینش، باطل به عنوان یک امر نسبی و تبعی و به عنوان یک نمود و یک امر طفیلی مطرح می‌شود... بطلان و شر از یک نوع تغییر مسیر پیدا می‌شود که لازمه مرتبه وجودی انسان یعنی مختار و آزاد بودن انسان است. حق اصیل است و باطل غیراصیل، و همیشه بین امر اصیل و غیراصیل اختلاف و جنگ است، ولی اینطور نیست که حق همیشه مغلوب باشد و باطل همیشه غالب. آن چیزی که استمرار داشته و زندگی و تمدن را ادامه داده حق بوده است و باطل نمایشی بوده که جرقه‌ای زده، بعد خاموش شده و از بین رفته است..." (مطهری، ۱۳۷۴: ۳۶-۳۴).

موضوع دیگری که به دنبال این باور مطرح می‌شود و در تحلیل جریان‌های تاریخی بسیار تعیین‌کننده است، پیوستگی اهل حق و استمرار خط انبیاء و جریان حق در طول تاریخ است. در کنار این موضوع فرض پیوستگی اهل باطل نیز می‌تواند به عنوان یک فرضیه برای بررسی بیشتر در دستور کار قرار گیرد. در خصوص موضوع نخست یعنی استمرار جریان حق و خط انبیاء در طول تاریخ به نظر می‌رسد نقطه مبهمی وجود

سیل کفی بر آمد چنان که فلزاتی را نیز که برای تجمل و زینت یا برای اثاث و ظروف در آتش ذوب کنند مثل آب کفی برآورد، خدا اینچنین حق و باطل را بر هم می‌زند (یا به این آب و فلزات و کف روی آنها برای حق و باطل مثل می‌زند که) باطل چون آن کف به زودی نابود می‌شود و اما حق چون آن آب و فلز که به خیر و منفعت مردم است در زمین درنگ می‌کند. خدا مثل‌ها را بدین روشنی بیان می‌کند.

نداشته باشد. قرآن کریم به روشنی دعوت پیامبران الهی سلام الله علیهم اجمعین را در ادامه یکدیگر و به صورت یک جریان منسجم معرفی می‌نماید:

لَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ (سوره قصص، آیه ۵۱).^۱

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا (سوره مؤمنون، آیه ۴۴)^۲

بر این اساس جریان ارسال رسل حلقه‌های متعدد و به هم پیوسته دعوتی الهی به نام دین اسلام است که همه پیامبران آن را به عنوان دین واحد معرفی نموده‌اند:

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (سوره آل عمران، آیه ۱۹).^۳

از همین رو است که به نظر می‌رسد پیامبران الهی سلام الله علیهم اجمعین غالباً در دعوت خویش به چند موضوع به طور همزمان اشاره نموده‌اند: نخست دین پیش از خود را تصدیق نموده تا اتصال خود را به جریان حق اعلام نموده باشند و سپس به پیامبر پس از خود و پس از آن به پیامبر و سپس موعود آخرالزمان بشارت داده تا استمرار این جریان را در نسل‌های بعدی بیمه نموده باشند. این موضوع در دعوت حضرت عیسی (علیه السلام) و پیامبر گرامی اسلام (ﷺ) به روشنی قابل مشاهده است. در زیارات گوناگون از جمله در زیارت شریف وارث نیز این استمرار در قالب استفاده از واژه وارث به مؤمنان فهمانده شده است.

اما در خصوص جریان باطل، قرآن کریم جز به پراکندگی اشاره نمی‌نماید. این کتاب آسمانی در خصوص ستمگران تاریخ و کافران می‌فرماید:

فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَرِّقٍ (سوره سبأ، آیه ۱۹).^۴

پس، از دیدگاه قرآن کریم جریان حق و ارسال رسل جریانی است متصل و

۱. ما گفتارمان را برای پیامبران متصل کردیم.

۲. سپس فرستادگان خود را در پی هم فرستادیم.

۳. دین در نزد خدا اسلام است و کسانی که به آنها کتاب داده شده در دین اختلاف نکردند مگر بعد از آمدن آگاهی و علم و از روی سرکشی در میان خود و هر کس آیات خدا را انکار کند، همانا حساب کردن خدا سریع است.

۴. پس آنان را داستانی در تاریخ قرار دادیم و به کلی آنان را متفرق کردیم.

ریشه‌دار و جریان باطل و طواغیت جریانی است بی‌ریشه و پراکنده که به تبع جریان حق چند صباحی در تاریخ بروز می‌نماید.

جان‌گراگان و سگان از هم جدا است متحد جانهای مردان خدا است
(مولانا، ۱۳۹۷، دفتر چهارم)

این تقابل در قرآن کریم اینچنین بازتابانده شده است:

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَّبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ. تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ. وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ (سوره ابراهیم، آیه ۲۶-۲۴).^۱

نکته‌ای که در اینجا می‌تواند مورد پرسش قرار گیرد این است که در بررسی زیارات و تاریخ با مواردی مواجه می‌شویم که ارتباط و اتصالی ظاهری میان نمایندگان جریان باطل قابل پیگیری و توجه می‌نماید. تبعیتی که در زیارت عاشورا از «اول ظالم» تا «آخر تابع» تصویر شده است، شکل‌گیری سلسله‌های گوناگون و یا حضور جریان‌های مستمر و مرموز در تاریخ از نمونه‌های این امر است. روشن‌تر از همه موارد استمرار است که در دشمنی و خصومت شخص شیطان با دعوت انبیاء (سلام الله علیهم اجمعین) وجود دارد که هیچگاه در طول تاریخ بشر انقطاع و خللی در آن ایجاد نشده است. اگر قرآن کریم جریان باطل را تلاش‌هایی پراکنده می‌داند، پس این پیوستگی ظاهری چگونه قابل توجیه است؟ پاسخ این است که همان‌گونه که قرآن کریم دولت و به قدرت رسیدن ظاهری باطل را نفی نمی‌نماید، اما آن را سطحی و مقطعی می‌داند، پیوستگی ظاهری جریان باطل را نیز ممکن می‌داند، اما در عین حال توجه می‌دهد که این پیوستگی ظاهری، فرع و تبعی از جریان اصالتاً پیوسته حق در

۱. آیا نمی‌دانی خداوند چگونه کلمه طیبه را به درخت طیبه تشبیه نموده که ریشه آن در زمین ثابت است و شاخه آن در آسمان. میوه خود را در هر زمان به اجازه پروردگارش می‌آورد، و خدا این مثل‌ها را برای مردم می‌زند، شاید متذکر شوند. و همین‌طور، کلمه خبیثه را به درخت خبیثی تشبیه کرده که از روی زمین برکنده شده و قرار و ثباتی ندارد.

طول تاریخ است:

"پیامبران از آن جهت که حقند و روح مجرد دارند، هم در قوس نزول با ماورای طبیعت در ارتباطند و هم در قوس صعود به مقام شامخ تجرد تام راه دارند، اما کافران، ظالمان و مشرکان از آن جهت که به تباهی ستم و کفر آلوده‌اند با ماورای طبیعت مرتبط نیستند، زیرا این‌گونه از رذائل نفسانی که به نقص وجودی ماده برمی‌گردد در ماورای طبیعت و نشئه کمال راه ندارد و تنها در جهان طبیعت و مرحله حرکت که قلمرو تراحم و محور تضاد است، رخ می‌نماید.

غرض آنکه بین سلسله موجودها، پیوند علّی و معلولی برقرار است و آنها به هم مرتبطند و از یک جایند و به یک جا ختم می‌شوند، ولی سلسله نقص، به تبع به هم مرتبطند» (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۲).

۳. عاشوراء: نقطه عطف و محور تحلیل تاریخ

در طراحی چهارچوب تحلیل گفتیم که باید دو موضوع را مد نظر قرار داد. نخست سنت اصلی حاکم بر تاریخ بشر که در عنوان پیشین و موضوع تقابلی تاریخی حق و باطل بیان شد. اما نکته دوم نقاط عطف مهم شکل‌دهنده تاریخ است که برای شمارش و تبیین آن در اینجا از عاشورا آغاز می‌کنیم.

عاشورا به تعبیری، اوج تجلی حزب‌الله و خط پیامبران، و علوّ کبیر حزب شیطان بود در زمین. عاشورا در زمانی رخ داد که حزب شیطان به خیال خام خود در تقابل با حزب‌الله به آخرین مراحل مأموریت خویش رسیده بود. حکومت یزید با توجه به ادعاهای ضد دینی وی، اگر تثبیت می‌شد، برای همیشه نام دین و اسلام را از صفحه زندگی بشر زدوده بود. قیام سیدالشهدا (علیه‌السلام) و یاران اندک وی در آن شرایط سرنوشت‌ساز تاریخی، نه تنها راه را به رهروان نمایاند، که آنان را در این راه با خود همراه ساخت. عاشورا در دریای طوفان‌زده‌ی تاریخ، هم چراغ هدایت شد و هم کشتی نجات (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۶: ۲۰۵)^۱. عاشورا نشانه‌ای بود در تاریخ که رهپویان

۱. ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه.

با توجه به آن نه تنها راه خود را در ظلمتکده غیبت بیابند که با تمسک به آن خود را به ساحل نجات نیز برسانند، آنگونه که در جریان انقلاب اسلامی ایران اتفاق افتاد. در بازنگری تاریخ تمدن بشر هم، و برای رسیدن به درکی روشن از وضعیتی که انسان معاصر در برابر آن قرار دارد، ناچار از توجه جدی به موضوع عاشورا به عنوان واقعه محوری تحلیل تاریخ هستیم. به دیگر بیان همان گونه که در نگارش تاریخ تمدن بشر تا کنون موضوع رنسانس به عنوان واقعه محوری در شکل‌گیری جامعه مدرن و تحولات پس از خود مطرح بوده است، در نگاه قرآنی به تاریخ تمدن، واقعه عاشورا این توان را دارد که تمامی حوادث و جریانات پیش و پس از خود را بر محور خویش گرد آورده و به آنها معنی دهد. به تعبیری ظریف هر آنچه پیش از عاشورا اتفاق افتاده، مقدمه عاشورا، و هر آنچه پس از آن شکل گرفته، نتیجه آن بوده است. این تبیین تمدنی از عاشوراء، موضوع غیبت و ظهور را نیز که با انگیزه خونخواهی عاشورا رخ می‌دهد در بر می‌گیرد.

در عین حال و بر اساس مطالعات معمول تمدن و تاریخ تمدن، با کمال تعجب شاهدیم که عاشورا، در ظاهر، از شاخصه‌های تمدنی متداول در تاریخ تا حد زیادی بی‌بهره است. تمدن‌ها در طول تاریخ همیشه با بهره‌مندی از آب و از کنار رودخانه‌ها آغاز شده‌اند، اما در تمدن عاشورا، اگرچه این جریان از کنار فرات پایه‌گذاری شد، اما نه بر اساس دسترسی، که در اوج حرمان و بی‌آبی. تمدن‌های بزرگ تاریخ بر اساس پیروزی اولیه در جنگ‌ها و سپس استمرار آن آغاز و گسترش یافته‌اند، اما تحلیل عمومی از عاشورا در زمان خود یک شکست و یک فاجعه بود. تمدن‌ها در پایه‌های شکل‌گیری خود، بر روی نیروهای زبده حساب می‌کنند که تا زمان گسترش و استقرار بتوانند آن تمدن را سر پا نگه دارند، اما در عاشورا نیروهایی در اختیار سیدالشهدا (علیه السلام) بود که اولاً در ظاهر جز چند نفر، هیچ سابقه و جایگاهی نداشتند، و ثانیاً تمامی آنها نیز از جمله خود وجود مقدس سیدالشهدا (علیه السلام) به عنوان رهبر نهضت، به شهادت رسیدند. در نبود پشتیبانی مردمی به عنوان یکی از مهمترین شاخصه‌های تمدنی، بار پیشبرد امر این تمدن، در ابتدای کار و با شهادت حلقه نخست، بجای مردان بر دوش